



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه علوم اجتماعی

عنوان:

بررسی الگوی تعامل دین و دولت در ایران عهد آل بویه

از:

محمد بشردوست اطاقور

استاد راهنما:

دکتر هادی نوری

استاد مشاور:

دکتر سید هاشم موسوی

اسفند ۱۳۹۲

تقدیم به:

پیشگاه پر مهر و محبت پدر و مادرم که بهره‌برایم پشتیبانی بوده اند یگانه و ستودنی،

به همسرم که بردبارانه پای همه تنهایی‌های زندگی ایستاد و دلگرم به پشتیبانی‌اش بوده‌ام؛

به پسرم که با پرسیدن‌های سرشارش، فردایی چراغی روشن و تشنه دانایی را برای نسل آینده نوید می‌دهد. همان‌گونه که چون برخی از ما

به خودبستگی کودکان در کسب حقیقت نخواهند رسید، و صورت‌های دک حقیقت را با مدارایی همه‌گیر به جای حق و حقیقت نخواهند

نشاند.

و به ساحت روح‌های نازنینی که خودمین مایستند اما مهرشان همیشه در دلم جاودانه است،

تقدیر و شکر

سپاس یزدان پاک را که بر من منت نهاد تا با همه ناتوانی و کاستی ما، توفیق به انجام رساندن این مطالعه را بدست آورم . و اما بعد... بر خود لازم می دانم که مصداق آیه شریفه «من لم یسکر المخلوق لم یسکر الخالق» از آنانی که «در این راه عالمانه و باتدبیر نظر مدد رسانم گردیند تشکر کنیم:

پاسکزار زحمت و راهبانی های سازنده استاد گرانمایه جناب آقای دکتر دای نوری می باشم که با دقت نظر و حوصله فراوان راهبانی مسی پرورش گردیند.

از جناب آقای دکتر سید هاشم موسوی مدیر گروه که افتخار دریافت مشاوره از جانب ایشان را داشته ام و در طول دو ره تحصیل پشتیبانی همه جانبه ای داشته اند، قدر دانی می نمایم.

از استادان بزرگوار جناب آقای دکتر حسن کهنسال که شاکردی ما را نزد ایشان پامانی نخواهد بود، و جناب آقای دکتر علی یعقوبی کرامی بخاطر تفضل داوری این مجموعه شکر و قدر دانی می نمایم.

از کلیه اساتید گروه علوم اجتماعی دانشکده که از محضر پر دانش آنان بهره برده ام بسیار سپاسگزارم.

در پیمان و همواره، پاسکزار همیشگی خانواده ام، هستم که سایه پر مهرشان همواره باده دلگرمی است.

محمد بشردوست اطاقور

بررسی الگوی تعامل دین و دولت در ایران عهد آل بویه

محمد بشردوست اطاقور

در سال های اخیر بواسطه تلاش های که بمنظور درک مناسب تر جایگاه دین در ارتباط با دولت و نیز گستره حضور و یا عدم حضور آن در ساخت سیاسی دولت صورت گرفته است، طیف های مختلفی از متفکرین این دو حوزه وارد عرصه مجادلات و مباحث نظری و غالباً چالش برانگیز گردیده اند. از این رهگذر، مطالعه سوابق و نحوه ارتباط این دو حوزه با هدف رهگیری مناسب تر سیر تحولات مطرح در روابط دین و دولت بمنظور دستیابی به یک ساخت منطقی نظری برای دنیای امروز، جایگاه و اهمیت خاصی می یابد. تحقیق حاضر نیز کوششی است در بررسی الگوهای رابطه دین و دولت در ایران عهد آل بویه. این پژوهش بر این فرضیه استوار می باشد که الگوی تعامل دین و دولت در ایران عهد آل بویه حالت اراستیانیستی (دولت سالاری) داشته است. در این پروژه روش تحقیق موردی- تاریخی مبتنی بر مطالعه اسنادی منابع دست اول و دوم و تحلیل روایت آنها بکار گرفته شده و چهارچوب نظری این پژوهش و هوش نیز بر گرفته از الگوی پنجگانه دین و دولت شجاعی زند می باشد. یافته های تحقیق نشان می دهد که تعامل دین و دولت تابع پاره ای متغیرها نظیر؛ لزوم درک الزامات عمومی سیاست، ثبات یا بی ثباتی دستگاه سیاسی، وجود رقبا، سیاسی در عرصه قدرت و تردید حوزه دین در همکاری یا عدم همکاری با حکومت و از طرفی درک امکانات و امتناعات دین در ارتباط با سیاست بر اساس آموزه های درونی هر مذهب می باشد. این یافته ها نشان می دهند که با درک همه این عوامل، ارتباطی معنا دار بین ثبات و صلاحیت دستگاه سیاسی و فراهم شدن بستر همکاری نهاد دین با آن وجود دارد. بدین معنی که در هر جا شاهان آل بویه از اقتدار و ثبات بیشتری برخوردار بوده اند، به مدیریت نهاد دین و بهره گیری از توان سامان بخش آن در اداره حکومت و جامعه بهره برده اند و در مواقع ضعف و وجود رقبا، سیاسی، نهاد دین یا دچار آشوب و درگیری های مذهبی گشته و یا در همکاری با دولت دچار تردید و بگونه ای عافیت طلبی گشته و انزوایی ناخواسته در پیش گرفته است. نیز می بایست بین باور به آموزه های مذهبی در نزد شخص حاکم و ملزومات ایجابی و سلبی عمومی سیاست در اداره جامعه تفاوت قائل شد. در این مطالعه با تقسیم حکومت آل بویه به سه دوره برادران مؤسس، جانشینان عضدالدوله و شاهان دوره پایانی، فرض وجود الگوی حکومتی دولت سالاری در دوره مؤسسین تأیید، در دوره جانشینان عضدالدوله دارای سیر نزولی از حالت دولت سالاری به استبدادی فردی و در دوره شاهان پایانی این سلسله، حکومت ها کم دوام و متزلزل و حاکمیت فرض مورد نظر رد گردیده است.

کلید واژه/: دین، دولت، آل بویه، پاپ- قیصریسم، اراستیانیسم، روحانی سالاری، دین سالاری

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
چکیده فارسی	ح
چکیده انگلیسی.....	ط

فصل اول: طرح تحقیق

۱-۱. درآمد	۲
۱-۲. طرح مسأله	۳
۱-۳. ضرورت و اهمیت	۵
۱-۴. هدف تحقیق	۸

فصل دوم: مروری بر ادبیات تحقیق

۲-۱. درآمد	۱۰
۲-۲. ادبیات تجربی تحقیق	۱۰
۲-۱-۱. کتاب ها	۱۱
۲-۱-۲. پایان نامه ها	۱۶
۲-۱-۳. مقالات	۱۸
۲-۲. ادبیات نظری تحقیق	۲۰
۲-۲-۱. دیدگاه معتقدان به محدوده دخالت	۲۱
۲-۲-۲. دیدگاه معتقدان به روشنفکری دینی	۲۳
۲-۲-۳. دیدگاه معتقدان به جدایی	۲۵
۲-۲-۴. دیدگاه معتقدان به ارتباط (همنشینی)	۲۶
۲-۲-۵. دیدگاه دین ستیزان	۲۸
۲-۳. نقد ادبیات تجربی و نظری تحقیق	۲۸

۳۱..... خلاصه. ۲-۴

فصل سوم: چهارچوب نظری

۳۴..... در آمد. ۳-۱

۳۴..... دسته بندی های دو وجهی ۳-۲

۳۵..... الگوی دو وجهی اسمیت ۳-۳

۳۶..... الگوی پنج وجهی پانیکار..... ۳-۴

۳۷..... الگوی سه وجهی وبری..... ۳-۵

۳۷..... الگوی چهار وجهی رابرتسون ۳-۶

۳۷..... نقد الگوهای ارائه شده ۳-۷

۳۹..... الگوی پنجگانه شجاعی زند ۳-۸

۴۳..... فرضیه تحقیق ۳-۹

۴۳..... خلاصه ۳-۱۰

فصل چهارم: روش شناسی تحقیق

۴۶..... مقدمه ۴-۱

۴۶..... مطالعه موردی..... ۴-۲

۴۷..... تعاریف ۴-۲-۱

۴۸..... مزایای مطالعه موردی ۴-۲-۲

۴۸..... انواع طرح تحقیق موردی ۴-۲-۳

۵۰..... مطالعه موردی- تاریخی ۴-۳

۵۰..... تعریف ۴-۳-۱

۵۱..... مراحل اجرایی تحقیق موردی ۴-۳-۲

۵۲..... روش گرد آوری داده ها ۴-۳-۳

۵۳..... روش تحلیل داده ها ۴-۳-۴

۴-۴. خلاصه ۵۵

فصل پنجم: یافته های تحقیق

۵-۱. درآمد ۵۷

۲-۵. تشیع ۶۰

۱-۲-۵. مواضع سیاسی تشیع ۶۰

۲-۲-۵. تشیع زیدیه ۶۱

۳-۲-۵. تشیع امامیه ۶۲

۴-۲-۵. تشیع آل بویه به شهادت منابع ۶۴

۳-۵. الگوی رابطه دین و دولت در دوره آل بویه به تفکیک هر حکمران ۶۶

۱-۳-۵. دوره آغازین: ۶۸

- عمادالدوله ابوالحسن علی ابن بن بویه (۳۲۰-۳۳۸) ۶۸

- رکن الدوله ابوعلی حسن بن بویه (۳۲۰-۳۶۶) ۶۹

۲-۳-۵. دوره امپراتوری (۴۰۰-۳۶۵): ۷۲

۱-۲-۳-۵. دوره نخست: ۷۲

- احمد معزالدوله (۳۲۴-۳۴۶) ۷۲

- عزالدوله بختیار (۳۴۵-۳۵۷) ۷۷

- فخرالدوله ابوالحسن (فرمانروائی ۳۵۹ تا ۳۵۵) ۷۹

۲-۲-۳-۵. دوره میانی: ۸۱

- عضدالدوله (۳۳۸-۳۷۲) ۸۱

- شرف الدوله (۳۷۲-۳۷۹) ۸۷

- صمصام الدوله (۳۷۹-۳۸۸) ۸۸

- بهاء الدوله (۴۰۳-۳۸۸) ۸۸

- سلطان ابوشجاع (۴۰۳-۴۱۵) ۹۳

- ۳-۳-۵. دوره افول امپراتوری (۴۴۸-۴۱۵ه.ق) ۹۴
- ابو کالیجار مرزبان (۴۴۰-۴۱۵)، ملک رحیم (۴۴۷-۴۴۰)، فولاد ستون (۴۴۸-۴۴۰) ۹۴
- ۴-۵. نتیجه گیری ۹۹
- ۶-۵. جمع بندی ۱۰۲
- ۷-۵. پیشنهادات ۱۰۸
- ۸-۵. فهرست منابع ۱۰۹
- پیوست ۱۱۵

فصل اول

طرح تحقیق

در هر سلسله ای از دوره های تاریخی ایران، با توجه به شرایط مذهبی و نیروهای مؤثر اجتماعی عصر خود، دستگاه سیاسی گرایش دینی- مذهبی متناسبی با فضای عمومی جامعه در جهت اداره قلمرو خود در پیش می گرفت. این قاعده در رابطه با سلسله آل بویه به گونه ای ویژه قابلیت بررسی می یابد. یعنی ظهور دولتی شیعی مذهب در بستر عمومی تحت اراده مذهبی خلافت اهل تسنن . می توان گفت که در طول دوران پس از اسلام در ایران، دوران آل بویه و مخصوصاً دور ه پادشاهی عضدالدوله که سیاستها و اهداف این حکومت را در اوج خود اداره می کرد، یکی از پیچیده ترین و پر تنش ترین دوره ها بوده است. یکی از نشانه های این پیچیدگی ها ، آغاز و تعمیم مباحثات و موضوعات مختلف کلامی در میان فرق گوناگون و امکان یا امتناع تعامل دین با دولت از دید فقهای شیعه در این دوره است. اختلافات مذهبی میان گروهها و فرقه های متعدد، شکل گیری مکاتب مختلف فکری، سر برآوردن اندیشمندان و صاحب نظران از میان این مکاتب و سیاستهای حکومتی از عوامل موثر در شکل گیری نوع نگاه حکومت به جریانات مذهبی بود . مرور تاریخ سیاسی شیعه مبین این واقعیت است که تشیع در جریان تحول تاریخی خویش انشعاب های گوناگونی را به خود دیده است . اما از سده سوم به بعد، فرایند تحول و انشعاب سرانجام با تثبیت سه شاخه اصلی تشیع شکل نهایی به خود گرفت و هر یک از سه فرقه بزرگ شیعی، یعنی تشیع زیدی، تشیع اسماعیلی و تشیع امامی، نمایندگی بخشی از جهان نظری و اجتماعی شیعی را به خود اختصاص داد. بنابراین، با توجه به اهمیت زیاد قرن های چهارم و پنجم هجری در فرهنگ و تمدن اسلامی و تأسیس دولت های مختلف شیعه در این دوران، بررسی مختصات سیاسی و فرهنگی هر یک، امری ضروری به نظر می رسد.

با این حال، مطالعاتی از این دست در ادبیات تاریخی ایران تا حد زیادی دچار کم توجهی و کم حوصلگی بوده است که این امر خود حکایت از کم مایگی سنت پژوهش و یا عدم تمایل در عرصه ای است که به درست یا غلط تعهدات خاصی را از هر دو سوی نهاد مذهبی یا سی سی در پاسداشت جایگاهش از نقطه نظر تاریخی مورد مطالبه قرار می داده است . بهر حال با ظهور پاره ای تحولات چه در سطح نهادی - اجتماعی و چه در سطح آکادمیک بویژه پس از انقلاب، دغدغه خاطر در رابطه با درک چگونگی تعامل این دو حوزه در سه دهه ی اخیر، به صورتی محققانه و شایسته، منجر به تولید آثاری هرچند ناکافی اما قابل نلّم در ارتباط با تاریخ بلند ایران گشته است . در این خصوص ، مطالعه تاریخ مذهب شیعه و تظاهرات سیاسی آن با عطف توجه به اهمیتی که تفکر دینی در جامعه امروز دارا گشته، بررسی تاریخ سیاسی تشیع را جایگاهی ویژه بخشیده است.

۱-۱. طرح مسأله

این پروژه در صدد توصیف نسبت دین و دولت در ایران عهد آل بویه، از منظر جامعه‌شناسی تاریخی می‌باشد. مطالعه تعامل دین و سیاست طی سالهای اخیر به عنوان حوزه‌ای جذاب و رو به گسترش، علاقمندان متعددی را به خود مشغول نموده است. عرصه‌ای که امروزه کانون اصلی منازعه میان پیروان تفکر سکولار و دین‌مداران است. مطالعه کارکرد بخشهای مختلف یک جامعه و ادراک چگونگی تعامل موجود بین آنها از جمله مباحثی است که از دیدگاه بخشی از متفکرین جامعه‌شناسی مانند کارکردگرایان ساختاری همواره حائز اهمیت و درخور توجه بوده است و در همین ارتباط جامعه‌شناسان تاریخی نیز بی‌نصیب از نتایج و دستاوردهای حاصل از مطالعات کارکردگرایان ساختاری در تحلیل ساختارهای جوامع گذشته نمانده‌اند. می‌دانیم که، حکومت‌ها به دلایل گوناگون خواهان حفظ قدرت هستند: گروهی به دلایل مادی، برخی به عنوان انجام تکلیف و وظیفه و عده‌ای به دلیل اینکه خود را ذاتاً مستحق حکومت می‌دانند، سعی در تداوم حکومت خود دارند. صرف نظر از اینکه قدرت به چه دلیل و شیوه‌ای به دست آمده باشد، برای استمرار و نهادینه شدن، نیازمند دلایل اخلاقی و قانونی است تا مردم وجهی برای اطاعت از حاکمان داشته باشند. نهاد دولت به عنوان عالیترین نوع قدرت در جامعه پدیدار می‌شود. به عبارتی دولت ظاهراً در رأس هرم و بالاتر از دیگر نهادهای اجتماعی قرار دارد ولی از نظر ساختار سازمانی ریشه در همین سازمانهای اجتماعی دارد و نهادی جداگانه و مستقل نیست که بتواند بدون شکاف و فاصله با جامعه مدت زیادی پایدار بماند. بنابراین ساخت قدرت دولتی هیچگاه از منافع گروهها و شرایط جامعه جدا نیست و روابطی متقابل بین آنها وجود دارد (بشیریه، ۱۳۸۵: ۲۰-۱۹).

از این منظر، یکی از مباحث همواره مطرح در پیرامون درک اشتimalat ابتدایی حکومت، تعیین تکلیف و شناسایی جایگاه دین و دولت در ارتباط با هم می‌باشد. بحث و گفت‌وگو درباره تعامل «دین» و «سیاست»، گاه در سطح جوهر و حقیقت دین و معرفت دینی مطرح است که با استفاده از روش کلامی ارتباط منطقی و مفهومی دین و سیاست مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد؛ به این معنا که آیا بین آموزه‌ها و گزاره‌های بنیادی دین همانند اعتقاد به خدا و تشکیل حکومت منطقی پیوند وجود دارد یا نه؟ و گاهی این بحث در سطح دین و سیاست تجلی یافته، در خارج و رفتار انسان‌ها به عنوان واقعیت تاریخی و اجتماعی، قطع نظر از ارتباط مفهومی و منطقی آن دو لحاظ می‌گردد. در این رویکرد، با قطع نظر از ارتباط مفهومی و منطقی «دین» و «سیاست»، تعامل «دین» و «سیاست» در عالم واقع، به مثابه دو پدیده جمعی در کانون توجه دانش‌هایی همانند جامعه‌شناسی تاریخی، قرار می‌گیرد. به همین دلیل، بررسی جامعه‌شناختی «مناسبات دین و سیاست» مطالعه‌ای است که از منظر جامعه‌شناسی، با استفاده از ادبیات مستقل هر دو رشته و دستاوردهای عملی هر کدام، به شناسایی انواع تعامل میان آن دو در اجتماعات بشری می‌پردازد (الیاده، ۱۳۷۲: ۲۲).

بر آمدن بویه‌یان، یکی از نقطه‌های عطف تاریخ دوره اسلامی ایران زمین و بویژه پیکاری است که ایرانیان در عمل و نظر علیه دستگاه خلافت آغاز کرده بودند. فرمانروایی آل بویه دنباله نزدیک به دو سده سته‌پندگی و پیکار با دستگاه خلافت و اوج آن بود و با زوال دولت بویه‌یان و سقوط آن نیز کوشش‌های سرداران و سربازان ایرانی در خراسان، سیستان، آذربایجان، طبرستان و فارس، که بیش از دویست سال در برابر دستگاه خلافت و غلامان ترک پایداری کرده بودند، و همراه آن، کوشش‌های محافلی که قصد احیای فرهنگ و تمدن ایرانی را داشتند، بر باد رفت (طباطبایی، ۱۳۸۳: ۱۳۰). از منظر دیگر، ادبیات شیعی در حکومت و التزامات سیاسی که آموزه‌های آن ایجاب می‌کند، توجه به مبانی فقهی مذاهب شیعه در فراهم‌آوری موجبات دوری و یا نزدیکی به ساخت قدرت سیاسی را به میان می‌کشد. به هر حال اعتقاد به این که حکومت باید مجری قوانین شرع باشد و شرط اصلی مشروعیت یک حکومت، عمل نمودن آن به فرامین مذهبی است سبب شد اندیشمندان ایران

و اسلام هر یک در این باره قلمفرسایی نموده و تلاش نمایند تا به شیوه ای مدلل ماهیت حکومت را مورد بررسی قرار دهند و چند و چون آن را تشریح دارند. شکل گیری حکومت آل بویه و تعلق خاطر آنان به باورها و آموزه های مورد تأکید شیعه در موضعگیری آلن نسبت به حکومت و تعامل با آن، دوره جدیدی از فقه سیاسی را در اسلام شیعی پدید آورد. در این راستا، شناخت مذهب تشیع و کارکرد آن در این دوره نقش مهمی در شناخت تحولات سیاسی و اجتماعی دارد. که خود فرصت مطالعاتی دیگری می طلبد. اما بسنده کردن بر منابع پژوهشی مورخان، ما را با کم بود خاص خود روبرو می سازد؛ زیرا مورخان نگاه خاص و جداگانه نسبت به نهاد مذهب نداشتند و آن را به صورت نهادی دارای استقلال مشاهده نمی کردند، بلکه به مقتضای پیوندی که صرفاً در ارتباط با معتقدات دربار می توانست مطرح باشد، مطالعه نموده اند. بنابراین به سطح و وسعت بالاتری از مطالعات در این رابطه نیازمندیم تا بتوان به تبیینی شایسته از تعامل دو حوزه مورد نظر دست یافت. لزوم دستیابی به این سطح بالاتر، ما را به بررسی مبانی فقهی و عقیدتی مذاهب شیعه که آل بویه متصف به آن هستند رهنمون می کند.

در اینجا برای شناسایی الگوهای تعامل دو نهاد دین و دولت در عصر بویهیان این پرسش ها می توانند مطرح شوند که: آیا منابع تاریخی می توانند نشان دهنده این تعامل و همکاری باشند؟ مهمترین محورهای تعامل بین این دو نهاد کدام بوده است؟ وضعیت مواضعی که روحانیت می گرفت در ارتباط با حکومت چگونه بوده است، تا چه میزان شرایط تاریخی در تعامل بین روحانیت و حکومت نقش داشت؟ این تعامل یک سویه بود یا اینکه هر یک از طرفین برنامه ها و راهبردهای خویش را داشت؟

ما حاصل مسأله اینکه، در ایران سده های نخستین اسلامی مانند همه جوامع دیگر در آن روزگار، دین در عرصه سیاست، حضوری فعال داشته و سیاست نیاز به دین را بصورتی همیشگی احساس نموده است. این امر تأملات چندی را در ارتباط با کارکرد دین در قبال سیاست ایجاب می کند. به بیانی موجز می توان گفت که شناخت نهاد مذهب در هیأت متولیان دینی و عملکرد آنان در این دوره نقش مهمی در شناخت تحولات سیاسی و اجتماعی آن دارد که در کانون توجه این تحقیق هم قرار خواهد داشت. با این مقدمه، سؤال علمی که در اینجا مطرح می شود درباره نحوه تعامل دین و سیاست است، یعنی چگونه دین و سیاست با یکدیگر در عهد دیلمیان در تعامل بوده اند؟ به عبارت دقیق تر "الگوی تعامل دین و دولت در ایران دوره ی آل بویه چگونه بوده است؟" اهمیت این سؤال با توجه به فرایندی بودن جوامع سنتی و حرکت آن از حالت بسیط به سوی تمایز یافتگی آنها، دو چندان می شود و گونه گونی های متعددی را می توان انتظار داشت. پاسخ به پرسشهای فوق و فهم کنش روحانیت در این دوران بدون توجه به واقعیتهای تاریخی و سیاسی جهان اسلام و مبانی فقهی و کلامی کاری ناشدنی و بیهوده است. زیرا پدیده های اجتماعی از موقعیتی انضمامی برخوردارند و تحلیل انتزاعی یا استعلایی آنان باعث شکل گیری خطای معرفت شناختی می گردد.

۲-۱. ضرورت انجام تحقیق

جامعه ایرانی یکی از کهن ترین جوامع مذهبی مشرق زمین است و نظامات پایدار زندگی مبتنی بر عقاید دینی در آن ریشه کهن داشته، همواره یک قشر صاحب نفوذ و قدرت را با نام «علمای دینی» به خود دیده است. وقتی عامه و نخبگان این گونه از مذهب متأثر بوده اند، قطعاً متولیان رسمی دین، یعنی روحانیان نیز موقعیتی بی بدیل و رشک برانگیز و بی رقیب داشته اند. در واقع آنچه بازبینی اسناد، کتاب ها و منابع به یادگار مانده از ادوار مختلف تاریخ ایران به دست می دهد، حکومت های ایران همواره ویژگی های خاصی داشته و در جهت هر چه کارآمدتر شدن دولت، تدابیر ویژه ای همچون ایجاد نهاد وزارت، برپایی دواوین گوناگون چون دیوان مظالم و برید (پُست) و غیره در ساختار آن اتخاذ گردیده است. لازم و ملزوم بودن نسبت دین و جامعه نوعی التزام و حمایت م تبادل را باعث می گردد از همین نقطه است که نسبت دین و اجتماع به رابطه دین و سیاست بدل می گردد. زمانی که اجتماع به صورت یک دولت تشکل و سازمان می یابد، توانایی اتخاذ تصمیم خواهد یافت و این تصمیمات در جهت دوام آن جامعه خاص (بعد تاریخی) معمولاً مؤثر می شوند. بطور کلی، دین و نوع مناسبات انسان در قبال آن جزئی همیشگی از تاریخ عمومی بشر بوده است. انسان به نح و چاره ناپذیری به انواع و اقسام شیوه ها "دینی" بوده است. دین و دین گرایی در حیات بشری، در خلاء فردی و در انزوای کامل از محیط اجتماعی و نفی ارتباط با دیگران پدید نیامده است. اساساً دین با دنیا عجین است و تنها در جامعه تجلی می یابد و در حالی که بدان رنگ خاصی می زند، از آن تاثیر هم می پذیرد. مناسبات دولت و مذهب، از یک سو بر اساس نیاز دولت به "حفظ ثبات و امنیت جامعه"، از سوی دیگر، بر اساس "بازی قدرت میان دو طرف" تعریف می شد (شجاعی زند، ۱۳۷۶: ۲۹).

مطلبی که در اینجا طرح آن موضوعیت می یابد این است که؛ کمتر دینی را می توان پیدا نمود که از لحاظ سیاسی خنثی باشد. زیرا هر دین و الهیاتی نگاه خاص نسبت به جهان ماورای طبیعی، هستی و انسان دارد و تلقی ادیان از عرصه های مذکور بر م سائل اجتماعی - سیاسی نیز اثرگذار است. با توجه به واضح بودن این مطلب در متون دینی ما، برخی از اندیشمندان غربی نیز به این حقیقت اشاره نموده اند. در حقیقت، مشروعیت "پاسخی به این پرسشهاست که چرا یک گروه خاص حق حکمرانی بود دیگران می یابد. در همین ارتباط و بر با تأکید بر نقش غیر قابل انکار دین در رابطه با دولت می گوید: اگر مشروعیت حاکمیت از طریق کاریزمای ارثی به تنهایی مقبول نیافتند، قدرت کاریزمایی مشروعیت بخش دیگری مورد نیاز است که به صورت هنجاری نمی تواند کسی جز "روحانیت" باشد. از جانب دیگر، می دانیم که دولت در سر تکامل وجودی خویش سیاستگذاریهای وسیع را در اجتماع حق خود می داند و عرف دول آن را حقی نافذ می شمردند. نهادهای اجتماعی نیز براساس چنین حقی شکل یافته اند. اینگونه، دولت پیوندی عمیق با حیات فردی پیدا کرده است. این رخداد با توجه به اراده مطلق که او داراست، به واقعیت انسانی تبدیل شده است. ولی هر واقعیت انسانی در نظام ارزشی حاکم بر روابط فرد و محیط پیرامون، اقلماً حقانی نیست و تا مادامی که آن واقعیت در گستره جهانشناسی مؤمنانه تفسیر حقانی نیابد، از ارزش دینی برخوردار نخواهد شد (ایدرم، ۱۳۷۶: ۴۱). به دلیل موقعیت فرانهادی دین در جامعه سنتی، دین به مثابه خون در تمام اندام نظام اجتماع، از جمله سیاست در جریان است و تمام کارکردهای آن را تحت پوشش قرار می دهد. حتی در جوامع نوین، در عین تمایز ساختی و کارکردی و بسط یافتن کارکردهای نهاد سیاست، باز هم سیاست مستغنی از دین نیست و دین از کارکردهای خاصی در قلمرو سیاست برخوردار است. در تاریخ ایران، جامعه ایران به عنوان یک جامعه دینی بوده است با این تفاوت که بر خلاف جوامع دیگر، دین در جامعه ایران در طول تاریخ یک نهاد نبوده است، یک فرانهاد بوده است. به این معنا که دین صرفاً در تفکیک و تمایز ساختاری و نهادین با تفاوت و فاصله از نهادهای دیگر مانند نهادهای سیاسی، اقتصادی

و فرهنگی تعریف نمی شده است بلکه دین فرانهادی بوده است که خود را در تمام نهادهای دیگر سرریز می کرده است (آجری، ۱۳۷۹: ۸).

بسیاری از محققان معتقدند بین دین و سیاست در جامعه سنتی، پیوند محکمی وجود داشته است، حتی در ادیان تجزی گرا، که از لحاظ نظری سیاست را جدای از دیانت می دانند، اما در عمل، پیوند تنگاتنگی میان دین و سیاست وجود داشته است. در جوامع سنتی، پیش از شکل گرفتن نهاد سیاسی مستقل به خاطر سلطه دین در عرصه های گوناگون و جامعه، از جمله سیاست، ذهنیات مردم نیز از این وضعیت متأثر بود، به گونه ای که مردم برای تأمین نیازهای سیاسی خود، غالباً به دین مراجعه می کردند و از دین انتظار داشتند نیازهای مربوط به سیاست و حاکمیتشان را پاسخگو باشد. به اصطلاح پارسونز، این دین بود که کار ویژه نیل به اهداف را انجام می داد و به همین دلیل، سیاست مبتنی بر دین و استوار بر استوانه های آن به مثابه یک ضرورت مطرح بود. "دین" و "دولت" در طول تاریخ، تعامل و شرایط گوناگون داشته اند. گاهی در مرجعی واحد جمع شده اند و گاهی در اثر برخی عوامل آن از هم جدا افتاده اند (همان: ۹).

با توجه به مطالبی که در باب "جایگاه دین و دولت" در جامعه ارائه گردید، باید بیان داشت که دین و دولت به عنوان دو مقوله ی جمعی، همواره در تعامل با یکدیگر بوده و "دستاوردی" از یک سو در ازای برآورده ساختن "نیازی" از سوی دیگر مبادله کرده اند. بخلایف تلقی رایج مبتنی بر تقابل دین و سیاست که از منشاء تاریخی - جغرافیایی خاصی هم انتشار یافته، نسبت میان دین و سیاست در گذشته کمتر طبیعت دیالکتیکی و تخصیصی داشته است. آنچه رخ داده و عموماً از آن به نزاع میان دین و دولت تعبیر می شود، نوعاً یا کشمکش سیاستمداران دینی برای تصاحب قدرت بوده یا جدال و رقابت موالیان مذاهب معارض به منظور تاثیرگذاری بر اقتدار حکام. البته نفی عدم تخصیص میان دین و دولت، لزوماً و در همه جا به معنی عدم تمایز میان آن دو نیست (شجاعی زند، ۱۳۷۶). در همین ارتباط دولت آل بویه، در ارزیابی این نوشتار، شاخصه های خود را در این تعامل دو طرفه "دستاورد" - "نیاز" باز می نمایاند. توجه به خاستگاه جغرافیایی امرای بویه در منطقه دیلم و نیز نقش علویان در اسلام آوردن مردم این ناحیه یکی از عوامل شکل گیری نوع نگاه مذهبی حاکمان آل بویه محسوب می شود. حکومت آل بویه مسلماً پیش از آنکه یک حکومت شیعی یا یک حکومت مذهبی باشد یک سیستم سیاسی با کارکردهای مخصوص به خود بوده است. مانند بسیاری از حکومتهای دیگر اولویت اول حاکمان حفظ قدرت و توسعه آن است و در این مسیر معمولاً از ابزارهای متعددی استفاده می نمایند.

بنابراین، ضرورت این مطالعه را می توان در دینی بودن حیات اجتماعی جامعه ایران جستجو کرد. هر نظریه جامعه شناسانه ای که در تحلیل و بررسی خویش از این جنبه مهم غفلت ورزد و یا به هر نحوی آنرا نادیده انگارد، به یقین دچار انحراف در نتایج و نقصان در ارزیابی خواهد گردید، زیرا تاریخ و فرهنگ این جامعه با دین سرشته و مهم ترین حوادث سیاسی و اجتماعی آن به طور مستقیم یا غیر مستقیم با این مقوله در ارتباط می باشد. مهم ترین حوادث اجتماعی و سیاسی جامعه ما همیشه پیرامون مسائلی گشته که مستقیم یا غیر مستقیم با دین یا شخصیت های دینی مرتبط بوده است. در ضرورت توجه به نقش دین و دولت در ارتباط با یکدیگر، می توان به حدیثی از پیامبر اسلام رجوع نمود، که می فرماید: «الدین و المَلک توأمان»؛ دین و پادشاهی، همزادند. شاعران و حکیمان ایرانی نیز بر ارتباط برادرانه دین و دولت تاکید کرده اند. در اهمیت ارتباط این دو قلمرو، پلوتارک مورخ یونانی یقیناً به نحوی شایسته این دغدغه همیشگی بشر را بیان می دارد آنجا که می گوید: «ساختن شهری بدون زمین آسان تر از ساختن دولتی بدون دین است» (دورانت، ۱۳۷۱: ۴۴۴). در شاهنامه می خوانیم:

چران دین و شاهی به یکدیگرند تو گویی که در زیر یک چادرند
نه بی تخت شاهی بود دین بچای نه بی دین بود تخت شاهی پهای
چو دین را بود پادشاه پاسبان تو این هر دو را جز برادر مخوان

با توجه به تمامی تحولاتی که در حوزه دین و سیاست در جامعه اسلامی اتفاق افتاده است، باید افزود، اسلام در تحقق تاریخی خویش، مانند بسیاری از مکاتب دیگر، از اصول نظری اولیه اش فاصله گرفت و در بسیاری از مقاطع تاریخی، صورتی کاملاً متضاد با ذات حقیقی اش یافت. از این رو، نسبت دین و دولت در اسلام، یک بار در حوزه ی نظر و اندیشه و بار دیگر در گستره ی واقعیت تاریخی اش مورد کنکاش قرار گرفته است.

انگیزه هایی که موجب نگارش پژوهش مذکور گردیده را می توان در چند بخش به منزله کاربست عملی حاصل از تحقیق نیز در نظر داشت. بطور قطع پاره ای از این انگیزه ها به علایق و سوالاتی بر می گردد که همواره احساس می شود. دلمشغولی هایی نظیر اینکه: طیف مذهبی در اقلیتی چون شیعه، که همواره در طول دوره های حکمرانی جماعت مذهبی در اکثریت اهل سنت، در محاق سلطه سیاسی آنان قرار داشته و حتی مورد تعقیب و آزار و بی مهری های مختلف واقع می گشت دارای چه نوع م و لفه های سیاسی - اجتماعی بوده که توانست به صورتی درخشان توسط خاندانی به ظاهر گمنام در سیاست، مستقل ترین رجعت سیاسی عنصر ایرانی در تراز اول سیاست را پدیدار سازد. هم از این جهت که، کم اطلاعی و سکوت در ارتباط با این دولت اصیل شیعی ایرانی را غفلتی تاریخی نسبت به تاریخ اندیشه سیاسی شیعه و ثمرات سیاسی فراموش شده اش می توان شمرد. از سویی دیگر به شرط احراز شایستگی، چون پژوهش حاضر در فضایی آکادمیک و علمی انجام می پذیرد سعی بر این واقع شده تا هر چند بصورت مختصر در رابطه با ویژگیهای دولت شیعی آل بویه و رابطه دو سویه دین و دولت در آن عهد نلعمل نموده، تا کمکی به پر کردن خلاء معرفتی که در این ارتباط احساس می گردد، بشود. در واقع از این طریق برای دانشجویان و علاقمندانی که خواهان انجام کارهای بیشتر و جامع تر و در سطوح پژوهشی بالاتری در ارتباط با مناسبات دین و دولت در تاریخ ایران هستند، گفتاری به ادبیات تاریخی اضافه گردد.

با توجه بر اینکه در انجام این پژوهش نیز، به لحاظ نوع رویکردی که در پژوهش اختیار گردیده (الگوی رابطه دین و دولت) کمبود منابع و مختصر گوییهای کتب و مقالات در این ارتباط امر تحقیق را دشوار ساخته است از منظر تاریخ اجتماعی نیز شاهد آن هستیم که بررسی تعاملات دین و دولت، از عرصه های پژوهشی ای است که نوعی کم توجهی و یا عدم تمایل در کارهای پژوهشگران ایرانی به خود دیده است. حوزه ای که به طور حتم ظرفیتهای بیشماری را در تاریخ ای ران برای آن می توان در نظر گرفت. بطور حتم آگاهی از تجربیات و نوع مناسبات دین و دولت در عهد بویان خود می تواند الگویی در عصر حاضر حداقل از نقطه نظر تئوریک اجتماعی باشد اینکه به چه شیوه ای این خاندان توانستند از زیر چتر هژمونی فراگیر اهل سنت در روزگار خود بالیده و مدارایی سیاسی را سبب شوند که کمتر می توان نظیری برای آن در تاریخ این سرزمین پیدا نمود. بنابراین درک نوع تعامل دین و دولت در عهد آل بویه، به مثابه ی پاسخی به این پرسش محوری است که می تواند اقناع کننده ی این کنجکاوی باشد.

۳-۱. هدف تحقیق

هدف تحقیق حاضر، توضیح رابطه دین و دولت در عهد آل بویه می باشد. تحقیق حاضر عمدتاً توصیفی خواهد بود. بطور خلاصه، جستجو و نشان دادن مصادیق واقعی برای هر یک از الگوهای تعامل تعریف شده در دوره فرمانروایی حکمرانان آل بویه، مقصد نهایی این تحقیق خواهد بود. در این مسیر تلاش خواهد شد تا در نهایت به تحلیلی از نوع روابط آن دو برای رسیدن به الگو یا الگوهای از تعامل دین و دولت نائل شویم و فرضی را که در این تحقیق در صدد اثبات درستی آن هستیم یعنی حاکمیت الگوی دولت سالاری در عهد آل بویه تأیید یا رد گردد.

فصل دوم

ادبیات تحقیق

درآمد

موضوع تحقیق حاضر بررسی الگوی تعامل دین دولت در عهد آل بویه می باشد . برای بررسی این موضوع نیاز به واکاوی تحقیقات و آثار انجام گرفته در این رابطه می باشد تا پرسش ها و پاسخ های مطرح شده ی پیشین مورد بررسی و مطالعه قرار گیرند. پاسخ مورد نظر این پژوهش می بایست در ادامه پاسخ های مطرح شده ی تحقیقات پیشین باشد . از این رو، بر اساس موضوع تحقیق حاضر ، دو دسته از ادبیات تحقیق مورد بررسی و مطالعه و نقد و تفسیر قرار می گیرند :

الف- ادبیات تجربی تحقیق که ناظر بر کارهای انجام گرفته، درباره وضعیت دین و دولت در تاریخ ایران است .

ب - ادبیات نظری تحقیق که ناظر بر نظریه های مطرح شده درباره الگوی رابطه دین و دولت است. در ابتدا سعی خواهد شد ادبیات تجربی تحقیق مطرح شود و سپس نظریه های مرتبط با رابطه دین و دولت مطرح و در ادامه به نقد این دو دسته از ادبیات تجربی و نظری تحقیق پرداخته می شود. در پایان الگوی مناسب در رابطه با دین و دولت برای توصیف وضعیت دین و دولت در ایران عهد آل بویه طراحی میگردد.

۱-۲. ادبیات تجربی تحقیق

این پژوهش بر پایه رویکردی در ارتباط با جامعه شناسی تاریخی صورت می گیرد که در نتیجه تحولات پس از انقلاب، توسط برخی از چهره های دانشگاهی علاقمند به بررسی الگوهای تعامل در عرصه دین و سیاست در ارتباط با دوره های تاریخی حکمرانی ایران دنبال شده است. فعالیتهای چندی در این مدت تاکنون صورت پذیرفته تا این الگوهای تعامل در بستر تاریخ سیاست و مذهب ایران در سطوح مختلف پژوهشی بررسی و مفهوم پردازی شوند و معیار و شاخص های مناسبی برای ارزیابی تجربه حکمرانی ایرانیان از این طریق بدست دهند . با این اوصاف در زمینه بررسی الگوهای تعامل دین و دولت در ادوار تاریخی ایران، مشکل عمده، کمی و نارسایی مطالعات موردی و فقدان تقسیم بندی ها و ارائه چهارچوب هایی است که دسته بندی منظم و قابل درکی را از روند تغییر و تحول و اشکال بکارگیری این الگوها در تاریخ ایران را بدست دهد . بحث و گفتگو در باب شناسایی الگوی تعامل در ایران عهد آل بویه و نسبت آن با ثمرات سیاسی و دینی حاصل از آن و نیز شناسایی آثاری که به این مقولات توجه نشان داده اند، به مثابه کسب ترازوی از تجربه سیاسی تاریخی ایرانیان ضرورتی انکار ناپذیر می نماید . باید افزود که هرچند این ضرورت برای کلیت دوره های تاریخی ایران احساس می شود اما توجه به دوره های متأخرتر و آثار مربوط به آنها در این باب می تواند راهگشای تحقیق حاضر باشد . با همه این اوصاف و با این پیش زمینه باید افزود که در ادبیات تاریخی و منابع دینی راجع به دین و دولت در عین وجود منابع فراوان، کمتر به کارهایی که به طبقه بندی تعاملات دین و دولت منجر شده باشد بر می خوریم . البته در سه دهه ی اخیر علاقه نویسندگان ایرانی و خارجی به تحقیق درباره ی روابط بین دین و دولت، به انتشار نوشته هایی در این زمینه انجامیده است. در ارتباط با این پروژه، الگوهای تعامل دین و دولت در ایران در سه سطح از آثار قابلیت طرح و بررسی می یابند: الف - کتابها ب - پایان نامه ها ج- مقالات

۱-۲-۱. کتاب ها:

دسته نخست از ادبیات تحقیق، کتب هایی هستند که ادوار و یا دوره ای خاص از تاریخ ایران را مورد مطالعه قرار داده اند که با توجه به نقطه کانونی تحقیق، می بایست ارتباط و رهیافت محوری آنها با پروژه پیش رو، مورد بررسی دقیق و هدفمند قرار گیرد تا بتوان به چارچوب مناسبی برای شناسایی الگوی تعامل در دوره مورد بحث دست یافت . پاره ای از منابع که تحت عنوان منابع دست اول مطرح می باشند، کتابهایی هستند که یا در همان عصر و یا در زمانی نزدیک به آن عصر به نگارش در آمده اند. این گونه منابع خود پایه ای برای نگارش و تحقیق و ایجاد زمینه ای برای پیدایش فرضیات و رهیافت های بعدی در

مطالعات متأخر می توانند مطرح باشند که در ادامه به برخی از منابع مطرح و مهم از نوع دست اول در ارتباط با وقایع دوره مورد مطالعه اشاره خواهد شد. در همین ارتباط در دهه های اخیر نیز پژوهش های چندی با محوریت تعامل دین و دولت در تاریخ ایران صورت گرفته که با توجه به تمرکز تحقیق بر دوره حکومتی آل بویه می توان بطور مشخص به برخی مطالعات در این رابطه اشاره نمود، بنابراین برحسب تقدم زمانی و مطالعه تاریخی، ابتدا به منابع دست اول و متقدم و سپس به منابع متأخر اشاره می گردد:

۱- **تجارب الامم و تعاقب الامم**، (۴۲۰ه.ق)، مهم ترین اثر ابن مسکویه که از منابع اصلی تاریخ بویه بیان بویژه در جلد های پنجم و ششم است. مسکویه از ندیمان حاکمان و وزیران بویه بوده است. زندگی مسکویه تقریباً مصادف با کل دوره بویه بیان است. مسکویه رازی، یکی از بزرگ ترین نمایندگان خرد ایرانی در دوره اسلامی و از نزدیکان ابن عمید، وزیر و استاد عضدالدوله در فلسفه و سیاست، بود. در واقع وی نویسنده ای است که عصر بویه بیان را در شکوفایی فعالیت های خردگرایی دارای اهمیت دانسته و تعقل فلسفی را در نتیجه حاکمیت خاندان بویه و رهین خدمات آنان بر می شمارد (طباطبایی، ۱۳۸۳: ۱۸۸). مشاهدات و شنیده های او از ابن عمید مہلبی و کارگزاران حکومتی درباره نقش امیران، وزیران، دارالخلافه و والیان، خصوصیات آن ها، روابط داخلی و خارجی حکومت، ترکیب سپاه، قضاوت و قاضیان، امور مالی و مصادره ها و در گیری های گروه های گوناگون و اوضاع عمومی در زمان آل بویه است. تمرکز مسکویه در درجه اول بر حوادث دارالخلافه در قلمرو بویه بیان و سپس سرزمین های شرقی خلافت است. مؤلف همچنین برخی نامه ها و توقیعات را که ارزش تاریخی بسیار دارند، ضمیمه کتاب کرده است. وی از نویسندگانی است که در نوشتن تاریخ دوره ایرانی- اسلامی "خرد" را ضابطه سنجش حوادث قرار داد.

۲- ابو اسحاق ابراهیم بن هلال صابی، کتاب **التاجی اخبار الدوله الدیلمیه (در اخبار ائمه زیدیه فی طبرستان و دیلمان و جیلان)**، (۱۹۷۳)، را به دستور عضدالدوله درباره تاریخ بویه بیان نوشت. صابی به مسایلی چون مساکن گیل و دیلم و بزرگان قبایل آن ها، ورود علویان به این مناطق، چگونگی اسلام آوردن مردم، تشکیل حکومت علویان و در گیری های آنان با رقیبان به ویژه با سامانیان تا زمان رکن الدوله پرداخته است. چگونگی ظهور دیلمیان در عرصه سیاسی و اصل و نسب آل بویه و زیاریان و برخی در گیری های آنان با یکدیگر، کتاب را برای ابتدای آل بویه بی نظیر کرده است. با اینکه دیلمیان از قدیمی ترین اقوام ایرانی بودند که نام خود را به منطقه محل سکونت خود داده اند و آل بویه از میان آنان برخاستند اما نکته شگفت انگیز اینجاست که صابی، مفصل ترین اطلاعات درباره نظام طایفه ای دیلمیان را آورده و نسب آل بویه را به عرب ها نیز رسانده است. به اعتقاد برخی از پژوهشگران او که این کتاب را به دستور عضد الدوله، مقتدرترین حاکم بویه بی نوشته، باید نسب او را از طریق پادشاهان ایران به عرب ها هم نسبت می داد تا گامی در راه انتقال خلافت به آل بویه برداشته باشد.

۳- ابوالحسین هلال بن محسن صابی با کتاب، **تحفه الامراء فی تاریخ الوزراء** (۱۹۰۴م)، در ۴۴۸ ه.ق از کاتبان بویه بیان بوده و مانند مسکویه به اخبار اداری بطور دقیق واقف بوده، به شرح حال وزیران برجسته آل بویه و خلفای عباسی پرداخته است. کتاب او اخبار سالهای ۳۶۰ تا ۴۴۷ را شامل می شود اما بخش اعظم آن گم شده و فقط ۸ جز از آن که شامل حوادث ۳۸۹ تا ۳۹۳ قمری است، باقی مانده است.

۴- **فارس نامه** ابن بلخی (۱۳۸۵)، که در تاریخ بسیار نزدیک به سقوط بویه بیان فارس نوشته شده (۴۴۸ ه.ق)، دارای اطلاعات ارزشمندی در تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی فارس به عنوان مهم ترین مرکز آنان از پیش از اسلام